

عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کی نوعی

محمد فراہانی

لیلا خان پور

عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری	
سرشناسه عنوان قراردادی عنوان و نام پدیدآور مشخصات نشر مشخصات ظاهری شابک وضعیت فهرست نویسی موضوع موضوع موضوع موضوع زبان رده بندی کنگره رده بندی دیویی شماره کتابشناسی ملی : فراهانی، محمد، ۱۳۷۴ - ایران. قوانین و احکام .Iran. Laws, etc عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری/ نویسندگان: محمد فراهانی- لیلا خان پور. تهران: انتشارات صالحیان، ۱۳۹۷. : ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۵-۶۶-۰ : ۱۰۷ ص. : ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۵-۶۶-۰ : فیا : مسوولیت جزائی - ایران Criminal liability -- Iran : : مسوولیت جزائی Criminal liability : : خان پور، لیلا، ۱۳۶۴- : ۱۳۹۷ ع/ف/۹۴/۸۷۸۸۷۸۸۸ KM : ۳۴۵/۰۴۵۵ : ۵۲۹۵۱	نویسندگان محمد فراهانی- لیلا خان پور ناشر صالحیان جه آرای و طراحی جلد صالحیان وبت ار شمارگان ۱۰۰۰ نسخه شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۵-۶۶-۰
	کلیه حقوق این اثر محفوظ می باشد.
تلفن: ۰۹۱۹۰۸۱۰۱۴۲، ۰۶۶۱۰۳۰۰ میدان انقلاب- کارگر جنوبی- کوچه شهید زانا مری- ساختمان گلستان- پلاک ۱۲۷-واحد سایت انتشارات: bsalehiyan.com	قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷	 مقدمه
۱۰	 شرایط مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی

فصل اول

مسئولیت کیفری

۱۳	 تعریف مسئولیت کیفری
۱۵	 مفهوم لغوی مسئولیت کیفری
۱۶	 مفهوم اصطلاحی، مسئولیت کیفری
۱۹	 سیر تطور مسئولیت کیفری دوران معاصر
۱۹	 مسئولیت کیفری در غرب معاصر
۲۰	 مسئولیت کیفری در ایران معاصر
۲۱	 شرایط مسئولیت کیفری
۲۴	 مبنای مسئولیت کیفری
۲۴	 مبنای مسئولیت کیفری از منظر حق تعالی عرفی
۲۶	 مبنای مسئولیت کیفری از منظر حقوق اسلامی
۲۶	 عوامل مانع یا رافع مسئولیت کیفری
۳۸	 مبنا و مفهوم مسئولیت کیفری بدون تقصیر
۴۵	 مسئولیت کیفری در اسلام
۴۵	 دامنه جرائم و مجازات‌ها در نظام کیفری اسلام
۴۹	 برخی اصول حاکم بر نظام کیفری اسلام
۵۲	 توجه به حریم خصوصی و آزادی‌های فردی

فصل دوم

عوامل موجهه جرم

۵۷	 مقدمه
۶۱	 عوامل موجهه جرم (اسباب اباحه)
۶۲	 امر آمر قانونی
۶۲	 دفاع مشروع
۶۴	 رضایت

فصل سوم

عوامل رافع مسئولیت کیفری

۶۷	 مقدمه
۶۸	 موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران
۷۲	 بررسی علل و عوامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران
۷۴	 مصادیق عوامل رافع مسئولیت کیفری
۷۸	 تفاوت‌های موجود بین اکراه و اضطرار
۷۹	 شباهت‌های بین اکراه و اضطرار
۸۲	 تفاوت عالی موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری

فصل چهارم

مقتضاه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری

منابع

۹۹	 منابع فارسی
۱۰۷	 منابع لاتین

مقدمه

حقوق همواره متکی به اخلاق و عدالت و مدافع آزادی‌های فردی است و هیچ‌گاه این خصایص را از دست نخواهد داد این ویژگی‌ها در حقوق کیفری که ضمانت اجرای شدید دارد بیشتر دیده می‌شود. افراد جامعه به رغم امکانات کم، دارای خواسته‌های نامحدود هستند. لذا از آنجایی که تأمین آزادی‌های فردی همیشه به سود جامعه تمام نمی‌شود، موجب تجاوز صاحبان قدرت به حقوق می‌گردد. مسئولیت کیفری مطابق با اصول اخلاق و عدالت شخصی است و صرفاً متوجه مرتکب جرم می‌گردد؛ اما بنا بر مقتضیاتی، گاهی در قالب مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر نیز ظهور پیدا می‌کند. مسئولیت یاد شده به دو نوع تقسیم می‌شود. نوع اول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نوع دوم مسئولیت کیفری شخص حقوقی ناشی از فعل غیر می‌باشد. مسئولیت کیفری شخص حقیقی ناشی از فعل غیر به شیوه‌ای شکل‌گیری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بوده است. مطابق اصول حقوق جزا، مسئولیت کیفری در صورت استقرار ارکان اصلی آن تحقق می‌یابد. در غیر این صورت مسئولیت کیفری یک تأدیس است. از نظر ارکانی و قراردادی است.

از زمان‌های دور جرم به مثابه رفتار ماریش با هنجارهای اجتماعی بوده و همواره واکنش اجتماع که به صورت مجازات، در اشکال مختلف مایه می‌باشد همراه و همدوش آن بوده است. مسئولیت کیفری که به معنای تحمل مجازات است قدمتی به درازی جرم و مجازات در جوامع انسانی داشته، هر چند نحوه واکنش در مقابل این پدیده در دوران‌های مختلف متغیر بوده است. در جوامع ابتدائی، مجازات صرفاً واکنشی برای رفع آلم و ناراحتی رفتارهای ناهنجار افراد اعمال می‌گردید و تمایزی بین منشأ ایجاد درد و آلم وجود نداشت بهر حال این منشأ موضوع مجازات قرار می‌گرفت فارغ از اینکه انسان باشد، حیوان یا جماد. کم‌کم همگام با پیشرفت فکری و ذهنی انسان، مجازات به عکس العملی در برابر زیان ناشی از یک رفتار معین تبدیل شد. مسئولیت کیفری یک موجود بر مبنای نوع و میزان خسارت مالی یا جانی که از ناحیه او به زیان دیده وارد می‌شد و مسئولیت کیفری صرفاً ماهیتی مادی و عینی داشت یعنی یک موجود تنها به این سبب که منشأ آلم یا زیان و خسارت بود، مجبور به تحمل مجازات می‌گردید.

با ترویج تعالیم الهی و روشنگری‌های پیامبران و مصلحان جوامع، بشر به مرحله‌ای از رشد فکری و عقلی دست یافت که توانست (مسئولیت کیفری) را از ماهیت مادی و عینی محض خود جدا کرده و آن را بر بنیاد عدالت و اصول اخلاقی استوار سازد. اسلام مسئولیت را ویژه انسان زنده و مکلف (بالغ و عاقل و مختار) قرار داده و آن را از دوش کودک و دیوانه و هر انسان مسلوب الاراده و فاقد قصد و

اختیار برداشته است. یکی از قواعد اساسی این است که هر کس مسئول کار خود است و گناه دیگری گریبان او نمی‌گیرد. مسلم جز از جرم و جنایتی که خود آن را مرتکب شده است، بازخواست نمی‌شود و بر جنایت دیگری او را مواخذه نمی‌کنند، هر چند بین آن دو نزدیک‌ترین دوستی، یا پیوند خویشاوندی وجود داشته باشد.

یکی دیگر از قواعد اساسی اسلام این است که هر چه را قانون حرام نکرده بر جواز و اباحه اولیه خود باقی است و همه در انجام دادن آن مجاز و مأذون‌اند و هنگامی که قانون آن را حرام کرد و جرم دانسد اگر کسی با آگاهی از قانون مرتکب آن شود مجرم تلقی می‌گردد. لازم به ذکر است قبل از ظهور اسلام زندگی به صورت قبیله‌ای بود. قتل و کشتار و جنگ‌های قبیله‌ای و خانوادگی و یا سخت دلی سم نظیری، گاه و بیگاه میان آنان رواج داشت. عقیده به خرافه و موهوم، بخش عمده عقاید بعضی از قبایل و مردمان آن زمان را تشکیل می‌داد. حتی حقوق جزای آنان مشتمل بر خرافات چندی بود، از جمله اینکه مرده‌ها اشتند: هنگامی که کسی کشته شد، از بازماندگان به خونخواهی او برخیزند و انتقام بگیرند. روح او همواره به شکل پرنده کوچکی در قتلگاهش حاضر می‌شود و ناله‌ای دلخراش سر می‌دهد. می‌گوید: اسیر منی (مرا از خون سیراب کنید) و تا وقتی انتقام خون او گرفته نشود، روح او همچنان سرگشته و راحته خواستن خود را دنبال می‌کند و این عقیده آنان را وادار می‌داشت که به انتقام‌جویی قیام کنند. این عقیده‌ها سبب می‌گشت قتل‌ها و انتقام‌ها یکی پس از دیگری ادامه می‌یافت و حتی گاه به جنگ‌های سست و نراز مدت مبدل می‌شد. در قوانین عرفی قرون وسطی و تا پیش از انقلاب فرانسه، دنیای مغرب زمین در قوانین جزائی دچار هرج و مرج بود، در آن دوره‌ها برای انسان و حیوان و حتی جمادات مسئولیت، همانی قائل بودند. جماد، چون حیوان به کیفر محکوم می‌گردید و حیوان چون انسان، بر کارهایی که انسان نسبت داده می‌شد، به مجازات می‌رسید از این بالاتر، مردگان نیز چون زندگان، مسئولیت داشتند که به کیفر محکوم می‌شدند و مرگ هم مایه عفو آنان از محاکمه و محکومیت کیفری نبود. در آن دوره‌ها، مسئولیت کیفری گروهی بود و نه فقط مجرم، مسئولیت داشت، بلکه اطرافیان و بستگان او نیز چون او مسئول بودند، اگر چه حتی روحشان از جرم خبر نداشت. در آن زمان‌ها انسان در هر شرایط و احوال مسئول جنایت عمل خود بود و فرق نمی‌کرد که بزرگ باشد یا کوچک، بالغ باشد یا کودک، عاقل یا دیوانه، مختار یا غیر مختار همه بایستی مسئول اعمال بزهکارانه خود باشند. جرائم مشخص نبود و کسی پیش از مواخذه، از آن آگاهی نداشت کیفرها نیز نامشخص بود و بیشتر به میل و دلخواه حکام یا به اختیار و تعیین قضات معین می‌شد یک جرم ممکن بود کیفرهای متفاوتی پیدا کند و هیچ قانونی

نبود که جرم و کیفر را به انضباط در آورد. رفته رفته با انقلاب فرانسه این هرج و مرج و قوانین جزائی را زیر و رو کرد و قوانین نوین جایگزین آن ساخت که بر اساس عدالت، قانون گذاری شد و بر پایه مسئولیت فردی پا گرفت و عقل، ادراک، قصد و اختیار زیر بنای مسئولیت جنائی قلمداد شد و در نتیجه کودک و دیوانه، مکره و هر فاقد ادراک و شعوری از قلمرو مسئولیت به دور نگاه داشته شده‌اند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان شیوه‌های پیشگیری از جرم را به رویکردهای کیفری و غیر کیفری تقسیم‌بندی کرد. رویکردهای غیر کیفری در پیشگیری از جرم شامل پیشگیری اجتماعی و وضعی است. موضوع علم حقوق جزا، اعمال مجرمانه شهروندان و واکنش جامعه در قبال آن‌هاست که اغلب در قالب مجازات و بعضاً در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی تجلی می‌یابد. حقوق کیفری یا حقوق جزا یا حقوق جنایی شاخه‌ای از حقوق عمومی است که به بررسی حمایت‌های دولت از حقوق افراد و ارزش‌های جامعه می‌پردازد. اساساً فراین جزایی آفریننده حقوق برای افراد جامعه نیست؛ بلکه تنها افراد را مجبور به رعایت حقوق ارزشمند می‌کند. به همین دلیل است که حقوق جزا را، «حقوق ارزش‌ها» نیز نامیده‌اند. مشخصه بارز حقوق جزا (کیفری)، ضمانت اجرای شدید آن است. این مجازات و کیفر است که حقوق جزا را به شاخه‌ای از حقوق تبدیل کرده است. از آن جا که این ابزار تنها در اختیار حاکمیت است، حقوق جزا را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانسته‌اند.^۱ مجازات که رایج‌ترین و طبیعی‌ترین پاسخ اجتماعی به پدیده مجرمانه است، در اثر عمل گوناگونی ساقط می‌گردد که عوامل موجهه جرم و عامل دفع مسئولیت کیفری از آن جمله‌اند. ماهیت این دو در نتیجه و آثار، مختلف است و به دلیل اختلاف در آثار، تشخیص مصادیق هر یک ضروری است. اگرچه مباحث مطرح شده در منابع حقوقی ما در این زمینه به هم نزدیک است، اما در تشخیص مصادیق هر یک از آن‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد که ناشی از عدم یقین در ماهیت آن‌ها و عدم عنوان گذاری دقیق در این باره است. جرم از عناصر سه گانه‌ای تشکیل می‌شود که با فقدان هر یک از آن‌ها، پدیده مجرمانه منتفی است. با این حال، ارتکاب هر جرمی، لزوماً به اعمال واکنش‌های اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه برای این کار ابتدا باید مسئولیت متهم احراز شود؛ زیرا مجازات اشخاص غیر مسئول بی‌فایده و ناعادلانه است. در مواردی نیز علی‌رغم وقوع جرم و وجود شرایط مسئولیت در مجرم، وی در قبال همکاری با ضابطان و دادرسان در کشف جرم یا دستگیری

سایر متهمان از مجازات معاف می‌گردد. یا در مجازات او تخفیف داده می‌شود. پس سه دسته از عوامل، یعنی عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسؤولیت کیفری و معاذیر قانونی، مانع از مجازات می‌شوند، اما این وجه مشترک، یعنی مانعیت از مجازات، وجوه اختلاف آن‌ها را نمی‌پوشاند. معاذیر قانونی چندان بحث ماهوی ندارد، زیرا در این که جرم با تمام ارکان و عناصر آن واقع شده و مرتکب حائز شرایط مسؤولیت کیفری است، تردید نیست. آنچه در مجازات او تأثیر می‌گذارد، تنها لزوم اتخاذ یک سیاست کیفری سنجیده توسط مقنن است که مجرمین را به همکاری با مأموران، برای کشف جرم، پیشگیری از وخامت آن تشویق می‌کند؛ اما عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری، پس از این قابل بحث هستند، در حالی که کمتر به شکلی مستقل و مفصل مورد بحث واقع شده‌اند. اول آنکه در تعاریف و مبانی با هم اختلاف دارند، دوم آنکه این اختلاف در مبانی باعث اختلاف در آثار آن می‌شود و سوم آنکه در مورد ماهیت و مبانی بعضی از مصداق‌های آن‌ها، مثل اضطرار و اشتباه، اختلاف نظرهایی وجود دارد و معلوم نیست که آن‌ها جزء عوامل موجهه هستند یا عوامل رافع مسؤولیت. رات تون و نوشته‌های حقوقی در این باره تا حدودی پیچیده است.

شرایط مسؤولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی

ماده ۱۴۰- مسؤولیت کیفری در حدود، دایره و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

ماده ۱۴۱- مسؤولیت کیفری، شخصی است.

ماده ۱۴۲- مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در مواردی بات است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

ماده ۱۴۳- در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۱۴۴- در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

ماده ۱۴۵- تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

تبصره- تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می‌شود.

www.ketab.ir